

ادبیات:

دانش‌های زبانی پایه هفتم (تعریف و توضیح به همراه چند سؤال)

ندا و منادا:

حروفی که قبل یا بعد از اسمی قرار بگیرد و آن اسم را مورد خطاب قرار دهد.

ا، ای و یا حروف ندا هستند و اسمی که قبل یا بعد از حروف می‌آید، منادا نامیده می‌شود.

مثال: جانا، حدیث حسنت در این داستان نمی‌گنجد.

در این جمله "ا" حرف ندا و "جان" منادا است.

مثال:

ای: ای خدا، ای دوست، ای وطن

یا: یا رب، یا حسین و ...

ا: خدایا، حافظا، سعدیا و ...

سعدیا، مرد نکونام نمیرد هرگز (در این بیت سعدی منادا است)

نکته: گاهی اوقات حرف ندا حذف می‌شود و از لحن و تکیه روی کلمه متوجه منادا می‌شویم.

مثال: بچه‌ها، آرزوی من این است.

(در این جمله بچه‌ها منادا است)

مشخص کردن تعداد جمله در شعر و نثر:

تعداد فعل‌های ذکر شده + تعداد فعل‌های حذف شده + شبه جمله

مثال:

ای مردم، بدانید ملتی که تلاش کند هم به برخوردار می‌رسد و هم به موفقیت

این متن پنج جمله دارد.

ای مردم + بدانید + تلاش می‌کند + می‌رسد + می‌رسد (حذف شده)

مثال دیگر:

ای خدا، این وصل را هجران مکن

این مصراع دو جمله دارد:

ای خدا و این وصل را هجران مکن

شبه جمله:

شبه جمله به واژه‌هایی گفته می‌شود که در ظاهر به شکل جمله نیستند اما معنی یک جمله را دارند.

شبه جمله‌ها دو نوع هستند: ۱- منادا ۲- صوت

صوت: واژه‌هایی که برای بیان احساسات به کار می‌روند.

مثل: ای کاش، آفرین، افسوس، مرحبا، دریغا و ...

انواع جمله از نظر محتوا و پیام:

۱- جمله خبری: جمله‌ای که خبری را می‌رساند.

مثال: باران طبیعت را سرسبز و باطراوت کرد.

۲- جمله‌ی پرسشی: جمله‌ای که سؤال را می‌پرسد.

مثال: آیا تکالیف را نوشتی؟

جمله‌ی امری: جمله‌ای که انجام گرفتن کاری را از کسی می‌خواهد.

مثال: کتاب‌هایتان را باز کنید.

جمله‌ی عاطفی: جمله‌ای که عواطف و احساسات انسانی مثل: تعجب، تأسف، خشم و ... را بیان می‌کند.

مثال: چه منظره‌ی زیبایی!

سپاس باد یزدان دانا و توانا را!

آفرین بر تو!

نشانه‌ی نگارشی جمله‌ی خبری و امری (.)

جمله‌ی عاطفی (!)

جمله‌ی پرسشی (?)

سؤالات مربوط به جمله:

۱- بیت‌ها و عبارت‌های زیر از چند جمله تشکیل شده است؟ (جملات را با کشیدن خط کاملاً مشخص کنید.)

- ای حلال مشکلات پنهان، ما را محتاج دست‌های درد ناشناس مکن.
- کجا می‌روی؟ ای مسافر، درنگی ببر با خودت، پاره‌ی دیگری را
- با نسیم بهار و بلبل باغ گرم راز و نیاز خواهیم شد.
- آوَح که شدم هیزم و آتشگر گیتی اندام مرا سوخت چنین زآتشِ اِدبار

۲- بیت «دردا و دریغا که در این بازی خونین/ بازیچه‌ی ایام، دل آدمیان است.» از چند جمله تشکیل شده است؟

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۳- تعداد جمله‌ی کدام بیت، نادرست است؟

(۱) هجوم فتنه‌های آسمانی مرا آموخت علم زندگانی (یک جمله)

(۲) از ظلمت خود، رهایی‌ام ده با نور خود آشنایی‌ام ده (چهار جمله) (۳) ای یاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم (سه جمله) (۴) ای نام تو بهترین سرآغاز بی‌نام تو نامه کی کنم باز (سه جمله)
۴- در بیت‌ها و عبارتهای زیر جمله‌ها را از لحاظ پیام و محتوا (خبری، امری و ...) پیدا کنید. - بر ورق سبز برگ / خط خدا را بخوان - این قافله عمر عجب می‌گذرد دریاب دمی که با طرب می‌گذرد - مردم بالادست چه صفایی دارند - نکویی به هر جا چو آید به کار نکویی گزین وز بدی شرم دار - بچه‌ها گرم گفت‌وگو بودند باز هم در کلاس غوغا بود - با خودش زیر لب چنین می‌گفت: «آرزوهایتان چه رنگین است»
۵- عبارت زیر چند جمله است؟ «گفت: جان پدر! تو نیز اگر بخفتی، به از آن که در پوستین خلق افتی.» (۱) شش جمله (۲) چهار جمله (۳) سه جمله (۴) پنج جمله
۶- در کدام گزینه در جمله مصراع اول، حذف فعل اتفاق افتاده است؟ (۱) هم قصه نانموده دانی هم نامه نانوشته خوانی (۲) ای یاد تو، مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم (۳) از ظلمت خود رهایی‌ام ده با نور خود آشنایی‌ام ده (۴) هم تو به عنایت الهی آنجا قدمم رسان که خواهی
۷- نوع جمله در کدام گزینه با بقیه فرق دارد؟ (۱) این درختانند همچون خاکیان ۲- آرزوهایتان چه رنگین است. (۳) از ضمیر خاک می‌گویند راز ۴- هریک از بچه‌ها به سویی رفت
۸- تعداد و نوع جمله‌های ابیات زیر به ترتیب کدام است؟ الف) تو بر سر قدر خویشتن باش و وقار بازی و ظرافت به ندیمان بگذار ب) کاغذ بدریدند و قلم بشکستند وز دست و زبان حرف گیران رستند (۱) دو جمله امری / سه جمله خبری (۲) یک جمله امری، یک جمله خبری / سه جمله خبری (۳) دو جمله امری / دو جمله خبری، یک جمله عاطفی (۴) یک جمله امری، یک جمله خبری / دو جمله خبری، یک جمله عاطفی

اجزاء جملہ:

نہاد	ہر جملہ از دو بخش تشکیل می شود
گزارہ	

نہاد: قسمتی از جملہ است کہ در مورد آن خبری می دهیم.

مثال: زہرا آمد. در این جملہ خبر آمدن زہرا بیان شدہ است.

نہاد

گزارہ: قسمتی از جملہ است کہ در مورد نہاد خبر می دہد.

مثال: زہرا آمد.

گزارہ

مثال: انقلاب اسلامی، پرتوی امید را در دل مردم تاباند.

گزارہ

نہاد

- در برخی از جملات نہاد کاری را انجام می دہد یا بہ عبارتی انجام دادن کاری بہ نہاد نسبت دادہ می شود. اما در برخی از جملات حالتی یا صفتی بہ نہاد نسبت دادہ می شود و نہاد کاری انجام نمی دہد.

مثال: ۱- زہرا آمد. ← در این جملہ زہرا عمل آمدن را انجام می دہد.

نہاد

۲- زہرا مریض شد ← در این جملہ مریضی بہ زہرا نسبت دادہ شدہ و حالت زہرا را بیان می کند و زہرا کاری انجام نمی دہد.

- نتیجہ می گیریم کہ ہمہ نهادہا کنندہ کار نیستند و گاهی اوقات حالتی بہ آنها نسبت دادہ می شود.

- ہمیشہ اولین واژہ جملہ نہاد نیست ممکن است نہاد از جملہ حذف شدہ باشد یا در شعرها و متون کهن وسط جملہ بیایند.

مثال: گفت: جان پدر! تو نیز اگر بختی
فعل

در این جملہ نہاد حذف شدہ است. (او یا پدر نہاد بودہ کہ حذف شدہ)

وسط جمله: در کتابی، بهار معنا شد.

نهاد

چگونه نهاد را در جمله مشخص می‌کنیم؟

برای مشخص کردن نهاد در جمله به ابتدای فعل «چه چیز» و «چه کس» اضافه می‌کنیم و از فعل سؤال می‌پرسیم.

مثال: علی رفت. ← ^{سؤال} چه کسی رفت؟ ← ^{جواب} علی

پس در این جمله «علی» نهاد است.

مثال دیگر: دوست خوب، کیمیا است. ← ^{سؤال} چه کسی است؟ ← ^{جواب} دوست خوب

یا چه کسی کیمیا است؟

در این جمله دوست خوب، نهاد است.

مثال دیگر: شب‌نم از روی برگ گل برخاست ← ^{سؤال} چه کسی برخاست؟

← ^{جواب} شب‌نم پس در این جمله شب‌نم نهاد است.

مثال دیگر: هوا ابری است ← ^{سؤال} چه چیز ابری است؟

← ^{جواب} هوا هوا در این جمله نهاد است.

نکته: گاهی یک نهاد برای چند جمله می‌آید.

مثال: (علی به مدرسه آمد) و (کتاب‌هایش را برداشت) و (به سرعت برگشت)

نهاد در این سه جمله «علی» است که از جملات دوم و سوم حذف شده است.

در نمونه‌های زیر نهاد را مشخص کنید.
۱- جانی ده که کار آن جهان سازیم
۲- هم اکنون چشمه‌های معرفت از درون من سرباز خواهند کرد.
۳- من با غرور و مهربانی، باغ و صحرا را تماشا می‌کردم.

۴- وقتی جوان‌های ما خرمشهر را باز پس گرفته بودند.
۵- بلبلان در باغ نغمه‌سرای می‌کردند.
۶- مثل یک شاخه گل جوانه بزن.
۷- در کتابی، بهار، معنا شد.
۸- نهاد در کدام گزینه به درستی مشخص نشده است؟ (۱) ای فرزندان عزیزم، نامهٔ محبت‌آمیز شما را قرائت کردم. (۲) حرم دل او را آرام می‌کرد و مدرسه اندیشه‌اش را. (۳) دانش‌آموزان یک مدرسهٔ دخترانه، برای امام خمینی (ره) نامه می‌نویسند.
۹- در کدام گزینه مصراع اول نهاد است؟ (۱) پرید از شاخکی بر شاخساری گذشت از بامکی بر جو کناری (۲) کبوتر بچه‌ای با شوق پرواز به جرأت کرد روزی بال و پر باز (۳) مرا در دام‌ها بسیار بستند ز بالم کودکان پرها شکستند (۴) هجوم فتنه‌های آسمانی مرا آموخت علم زندگانی

مفعول

مفعول: واژه ای است که قبل از «را» می آید یا بتوانیم بعد از آن «را» اضافه کنیم.

(بعضی از جملات با نهاد کامل‌اند؛ اما بعضی دیگر علاوه بر نهاد نیاز به مفعول هم دارند.)

- برای مشخص کردن مفعول در جمله با کلمات پرسشی «چه کسی را» و «چه چیزی را» از فعل جمله سؤال می‌کنیم.

مثال: کودک اسباب‌بازی را گم کرد. ← ^{سؤال} کودک چه چیزی را گم کرد؟

← ^{جواب} اسباب بازی

مفعول

مثال: مادر غذای خوشمزه‌ای پخته بود ← ^{سؤال} مادر چه چیزی را پخته بود؟

یا چه چیزی را پخته بود؟ ← ^{جواب} غذای خوشمزه‌ای

مفعول

مثال: گل‌های رنگارنگ، زیبایی خاصی را به شهر می‌داد.

سؤال ← چه چیزی را به شهر می‌داد؟ ← جواب زیبایی خاصی

مفعول

نکته: در برخی از جملات نشانه‌ی «را» بعد از مفعول حذف می‌شود.

مثال: زهرا نامه نوشت. ← سؤال چه چیزی را نوشت؟

سؤال ← نامه

مفعول

سؤالات مفعول

(۱) در کدام گزینه مفعول به کار <u>نرفته</u> است؟ ۱- من به شما دروغ نمی‌گویم؛ شما هم به من دروغ نگویید. ۲- من این نظم را از آقای بهشتی یاد گرفته‌ام. ۳- مصطفی خودش را کنار دیوار کشاند تا از هجوم باد در امان باشد. ۴- باد سرد پاییزی هم‌چنان در کوچه‌ها می‌وزید اما مصطفی دیگر سردش نبود.	
(۲) در کدام گزینه مفعول <u>وجود ندارد</u>؟ ۱- گرگ قنداقه به دهان گرفت و دوید. ۲- روناک مثل برّهای، دست‌هایش را در هوا تکان می‌داد. ۳- دشت یکپارچه صدا شده بود. ۴- باد صدای کژال را غلتاند.	
(۳) در کدام گزینه مفعول به <u>درستی مشخص نشده</u> است؟ ۱- آن قصه شنیدید که در باغ یکی روز از جور تبر زار بنالید سپیدار ۲- دهقان چو تنور خود از این هیمة برافروخت بگریست سپیدار و چنین گفت دگر بار ۳- خندید بر او شعله که از دست که نالی ناچیزی تو کرد بدین گونه تو را خوار ۴- آوخ که شدم هیزم و آتشگر گیتی اندام مرا سوخت چنین ز آتش ادبار	
(۴) در کدام گزینه <u>تعداد مفعول‌ها بیشتر</u> است؟ ۱- دعای مادرم در حق من مستجاب شد و مرا بدین جای رسانید. ۲- یک دست بر دست مادر نهاده بودم و یک دست زیر سر مادر داشتم. ۳- آن شب هیچ خوابم نبرد و از نماز شب باز ماندم.	

۴- شبی مادرم از من درخواست کرد که امشب سرد است نزد من بخسب.

۵) مفعول را در عبارت زیر مشخص کنید.

در میان جمع گشاده‌رو بود و در تنهایی سیمایی محزون و متفکر داشت.

متمم:

متمم: واژه ای است که بعد از حرف اضافه برای کامل شدن معنای جمله می‌آید.

حروف اضافهٔ پرکاربرد عبارتند از: از، به، با، در، برای، مثل، مانند، چو، چون (به معنای مثل و مانند) و ...

مثال: کتابی از کتاب فروشی خریدم. من اینجا چون نگهبانم، تو چون گنج

حرف اضافه متمم حرف اضافه متمم حرف اضافه متمم

پريد از شاخکی بر شاخساری گذشت از بامکی بر جوکناری

حرف اضافه متمم حرف اضافه متمم حرف اضافه متمم

نوجوانی، دورهٔ انتقال از کودکی به بزرگسالی است.

حرف اضافه متمم حرف اضافه متمم

نکته: اگر چون به معنی «مثل و مانند» نباشد و به معنی «زیرا» در جمله آورده شود، دیگر حرف اضافه نیست و حرف ربط است.

مثال: من به مدرسه نیامدم چون بیمار بودم.

زیرا

نکته: حرف ربط، حروفی هستند که برای ارتباط بین جملات و واژه‌ها کاربرد دارند.

حروف ربط عبارتند از: و، که، اگر، چون (به معنی زیرا)، زیرا، اگرچه، گرچه، اما و ...

حروف ربط نقش ایجاد نمی‌کنند و فقط ارتباط برقرار می‌کنند.

حروف اضافهٔ مرکب: به وسیله‌ی، به جهت، از نظر، از قبیل، در برابر، در مورد، در خصوص، برطبق، براساس، از بهر

مثال: ای تن، رنج از بهر خدای بکش.

حرف اضافه متمم

حروف اضافهٔ ساده با یک اسم همراه می‌شوند و حروف اضافهٔ مرکب را می‌سازند.

نکته: گاهی اوقات «را» در جمله به معنی «از، به، برای» می‌آید که دیگر نشانهٔ مفعولی نیست و حرف اضافه است. و کلمهٔ قبل از آن متمم است.

مثال: حکیمی را گفتند. ← به حکیمی گفتند.

متمم به معنی «به» حرف اضافه

او را پرسیدند. ← از او پرسیدند.

متمم به معنی «از» حرف اضافه

بهتر است

نادان را (به) از خموشی نیست ← برای نادان بهتر از خموشی نیست.

متمم به معنی «برای» حرف اضافه

سؤالات متمم:

۱- در بیت زیر حروف اضافه و متمم‌ها را مشخص کنید.	
آب در حلق کریمان از کرم چون نوش ریز موی بر اندام خصم از بیم همچون نیش کن	
۲- در بیت زیر، کدام واژه متمم است؟	
گر هزاران دام باشد هر قدم چون تو با مایی نباشد هیچ غم	
۳- در کدام بیت، متمم بیشتری به کار رفته است؟	
(۱) شب ز اسرار علی، آگاه است	دل شب محرم سر الله است
(۲) ناشناسی که به تاریکی شب	می‌برد شام یتیمان عرب
(۳) عشق بازی که هم آغوش خطر	خفت در خوابگاه پیغمبر
(۴) دست در دامن مولا زد، در	که علی، بگذر و از ما مگذر
۴- در کدام گزینه متمم در ابتدای بیت آمده است؟	
(۱) نگشت آسایشم یک لحظه دمساز	گهی از گربه ترسیدم گه از باز
(۲) هجوم فتنه‌های آسمانی	مرا آموخت علم زندگانی
(۳) ز وحشت سست شد بر جای ناگاه	ز رنج خستگی درماند در راه
(۴) مرا در دام‌ها بسیار بستند	ز بالم کودکان پرها شکستند
۵- متمم‌ها را در بیت‌های زیر مشخص کنید.	

از ظلمت خود رهایی‌ام ده	با نور خود آشنایی‌ام ده
جهان جمله فروغ روی حق دان	حق اندر وی ز پیدایی است پنهان
زنگ تفریح را که زنجره زد	باز هم در کلاس غوغا شد

مسند

مسند: واژه‌ای است که به نهاد نسبت داده می‌شود. (یا به عبارتی صفت و حالتی است که به نهاد نسبت داده می‌شود).

مسند در جملاتی آورده می‌شود که فعل اسنادی داشته باشند. فعل‌های اسنادی عبارتند از: است، بود، شد، گشت، گردید، است (هست، نیست، هستم، هستی و ...)

بود (بودم، نبود، ...)

شد (نشد، باشم، نباشی، ...)

گشت (نگشت، نگشتم، ...)

گردید (نگردید، گردیدند، ...)

نکته: اگر «است» معنای «وجود داشتن» در جمله را داشته باشد، فعل اسنادی نیست.

مثال: زهرا در مدرسه است.

غیر اسنادی (وجود داشت)

- برای مشخص کردن مسند در جمله با کلمات پرسشی «چطور و چگونه» از فعل جمله سؤال می‌پرسیم.

مثال: هوا سرد گشت. (چگونه گشت یا هوا چگونه گشت ← ^{جواب} سرد ← سرد مسند است.)

- حسین فروتن است. (حسین چگونه است ← ^{جواب} فروتن ← فروتن مسند است.)

- زمین گرم شد. (زمین چگونه شد؟ ← ^{جواب} گرم ← گرم مسند است.)

مثال‌های دیگر برای مسند:

دانش‌آموز راضی بود.

مسند

نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد.

مسند

شب یلدا بلندترین شب سال است.

مسند

نکته: اگر «گشت» و «گردید» به معنی «چرخیدن» به کار روند، غیر اسنادی هستند و مسند نمی‌پذیرند.

مثال: زمین به دور خورشید گردید.

به معنی چرخید و فعل اسنادی نیست پس مسند هم ندارد.

- اگر «شد» به معنای «رفت» به کار رود، فعل اسنادی نیست.

مثال: که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد

خواهد رفت (فعل اسنادی نیست)

- به طور کلی «است، بود، گشت، گردید» اگر معنای «شد» در جمله داشته باشند، فعل اسنادی هستند.

- گشت غمناک دل و جان عقاب ← دل و جان عقاب غمناک گشت.

مسند به معنای شد (فعل اسنادی)

تمرین

در مثال‌های زیر «مسند» را مشخص کنید.
۱- شدش گیتی به پیش چشم تاریک
۲- روز و شب زائر حرم باشیم.
۳- گفت: باغی بزرگ خواهم شد.
۴- غنچه گفت: گرچه دل تنگم
۵- بیا که صاف شود این هوای بارانی
۶- در کدام گزینه مسند به درستی مشخص نشده است؟

(۱) باز هم شوق خواندن و عطش مطالعه در وجودش <u>زنده</u> شد. (۲) او <u>شیفته</u> طبیعت بود. (۳) برای اسلام و کشورش و جمهوری اسلامی <u>مفید</u> بود. (۴) کاش شما مرا <u>نصیحت</u> می کردید.	
۷- فعل در کدام مصراع اسنادی است؟	
(۱) بگردم آب دریاها سراسر	(۲) اگر یار مرا دیدی به خلوت
(۳) چه غم ز حال ضعیفان ناتوان داری	(۴) شوق دیدار تو لبریز شد از جام وجودم

فعل و ویژگی های آن

فعل: مهمترین بخش جمله و انتقال دهنده پیام است و کلمه ای است که انجام گرفتن کار، روی دادن یا پذیرفتن حالتی را در زمان گذشته، حال یا آینده نشان می دهد.

ویژگی های فعل:

از هر فعل چهار مفهوم دریافت می شود:

۱- انجام دادن کاری یا روی دادن و پذیرفتن حالت

مثال برای انجام دادن کار: سعید کتاب را آورد. ← عمل آوردن

مثال برای پذیرفتن حالت: زهرا بیمار شد ← حالت زهرا را که همان بیماری است نشان می دهد.

۲- زمان:

هر فعل سه زمان دارد: گذشته یا ماضی (خواندم)- حال یا مضارع (می خوانم)- آینده یا مستقبل (خواهم خواند)

۳- شخص:

هر فعل سه شخص دارد: اول شخص - دوم شخص - سوم شخص

اول شخص (گوینده): من، ما

دوم شخص (شنونده): تو، شما

سوم شخص (دیگری): او، آنها یا ایشان

هر فعل شش ساخت دارد، هرگاه ساخت های شش گانه فعل را پشت سر هم بیاوریم، فعل را صرف کرده ایم.

مثال: رفتیم رفتیم رفتیم

رفتید رفتی رفتی

رفتند رفت رفت

۴- شمار: منظور از شمار مفرد یا جمع بودن فعل است.

- اگر شخص فعل یک نفر باشد، به آن مفرد می‌گویند.

مثال: می‌روم، می‌روی، می‌رود ← سه شخص مفرد

- اگر شخص فعل بیش از یک نفر باشد، جمع محسوب می‌شود.

مثال: می‌رویم، می‌روید، می‌روند ← سه شخص جمع

من می‌سازم ← اول شخص مفرد	ما می‌سازیم ← اول شخص جمع
تو می‌سازی ← دوم شخص مفرد	شما می‌سازید ← دوم شخص جمع
او می‌سازد ← سوم شخص مفرد	آنها می‌سازند ← سوم شخص جمع

مثال برای صرف فعل در سه زمان گذشته، حال، آینده

گفتم - گفתי - گفت - گفتیم - گفتید - گفتند ← گذشته یا ماضی

می‌گویم - می‌گویی - می‌گوید - می‌گوییم - می‌گویید - می‌گویند ← حال یا مضارع

خواهم گفت - خواهی گفت - خواهد گفت - خواهیم گفت - خواهید گفت - خواهند گفت ← آینده (مستقبل)

«بن ماضی و بن مضارع و مصدر»

مصدر: مصدر در لغت به معنی محل صدور است، ولی در اصطلاح دستور زبان فارسی، کلمه‌ای است که بر انجام گرفتن یا روی دادن حالت دلالت می‌کند، بی‌آنکه زمان و شخص داشته باشد.

- فرق مصدر با فعل در آن است که فعل زمان و شخص دارد، ولی مصدر زمان و شخص ندارد و قابل صرف شدن نیست.

مثال: خورد (فعل) خوردن (مصدر)

- علامت مصدر نون (ن) پایانی آن است. مثال: پرسیدن، نوشیدن، گفتن، نوشتن، خوردن، خواندن و ...

مثال: گداختن با حذف نون می‌شود ← گداخت

- از مصدر می‌توان بن ماضی و مضارع و انواع فعل در زمان‌های مختلف ساخت.

بن: منظور از بن ریشه فعل است که در ساخت‌های شش‌گانه فعل تغییر نمی‌کند. به طور کلی به جزء ثابت و تغییرناپذیر فعل «بن» می‌گویند.

مثال: زمان فعل گذشته (ماضی)	زمان: مضارع یا حال
رفتم	می‌روم
رفتی	می‌روی
رفت	می‌رود
رفتیم	می‌رویم
همه این ساخت‌ها ثابت و تغییر نکرده است پس «رفت» بن فعل است و با توجه به اینکه زمان فعل ماضی (گذشته) است، «رفت» بن رفت	رو
همه این ساخت‌ها ثابت و تغییر نکرده است پس «رفت» بن فعل است و با توجه به اینکه زمان فعل مضارع است «رو» بن	زمان فعل مضارع است «رو» بن

رفتید	ماضی نام دارد.	می‌روید	مضارع نام دارد.
رفتند		می‌روند	

نکته: (ی، ن، ب) که در ابتدای برخی افعال می‌آیند هر چند که در ساخت‌های شش‌گانه فعل تکرار می‌شوند، اما جزء بن فعل محسوب نمی‌شوند.

مثال: بروم ← بن فعل ← رو
می‌روم ← بن فعل ← رو

طرز ساخت بن ماضی و مضارع از مصدر:

طرز ساخت بن ماضی: با حذف نون (ن) آخر مصدر بن ماضی به دست می‌آید.

مثال: شنید^{بن ماضی} ← شنید
خواند^{بن ماضی} ← خواند
رفت^{بن ماضی} ← رفت
دید^{بن ماضی} ← دید

طرز ساخت بن مضارع از مصدر: برای ساخت بن مضارع ابتدا از مصدر فعل امر می‌سازیم. سپس (ب) امر را از اول آن حذف می‌کنیم آنچه باقی می‌ماند بن مضارع است.

مثال: نشست^{فعل امر} ← بن^{بن مضارع} نشین ← نشین
خوردن^{فعل امر} ← بن^{بن مضارع} بخور ← خور
آموختن^{فعل امر} ← بن^{بن مضارع} بیاموز ← آموز
(ی میانجی که حذف می‌شود)

آمدن^{فعل امر} ← بن^{بن مضارع} بیا ← آ
(ی میانجی که حذف می‌شود)

نکته: روش‌هایی که بیان شد روش‌هایی علمی برای ساخت بن ماضی و مضارع است. اما روشی آسان‌تر برای ساخت بن ماضی و مضارع به این صورت است که برای بن ماضی فعل سوم شخص مفرد می‌سازیم و برای بن مضارع به کسی دستور می‌دهیم.

مثال: از مصدر ن خواندن، می‌گوییم او خواند تو هم بخوان

بن ماضی بن مضارع

شناسه: «شناسه‌ها» اجزایی هستند که به «بن» فعل اضافه می‌شوند و در شش ساخت فعل متفاوت هستند. شناسه‌ها شخص (اول شخص، دوم شخص، سوم شخص) و شمار فعل (مفرد و جمع) را نشان می‌دهند.

تهی

شناسه‌های فعل ماضی: م، ی، $\emptyset$ ، یم، ید، ند (۵)

سوم شخص ماضی شناسه ندارد.

مثال: خواند، دید، رفت (شناسه ندارند)

شناسه‌های فعل مضارع: م، ی، د، یم، ید، ند (۶)

مثال برای فعل مضارع	مثال برای فعل ماضی
شناسه { می خوانم می خوانی می خواند می خوانیم می خوانید می خوانند 	شناسه { خواندم خواندی خواند$\emptyset$ خواندیم خواندید خواندند

مثال‌های دیگر:

خواستند ← شناسه دیدیم ← شناسه

می‌گویی ← شناسه می‌سوزد ← شناسه

گفت ← شناسه ندارد و تهی است. ($\emptyset$)

سؤالات مربوط به فعل:

۱- زمان و شخص و شمار فعل جملهٔ سوم در کدام گزینه به درستی آمده است؟ «دنیا باور نمی کرد جوانان ما، بسیجیان ما، ارتش ما بتوانند خرمشهر را با آن همه استحکاماتی که دشمن و پشتیبانانشان درست کرده بودند، پس بگیرند. (۱) مضارع، سوم شخص مفرد (۲) ماضی، دوم شخص جمع (۳) ماضی، سوم شخص جمع (۴) مضارع، سوم شخص جمع
۲- در کدام گزینه زمان فعل با بقیه فرق دارد؟ ۱- هیچ گاه زبانش را به دشنام نمی آلود. ۲- در زندگی از تجمل دوری می جست. ۳- در این درس با برخی از ویژگی های اخلاقی و رفتاری آن بزرگوار آشنا می شویم. ۴- بد رفتاری با شخص خود را می بخشید.
۳- در کدام بیت، فعل های «اول شخص جمع» و «سوم شخص مفرد» به چشم می خورد؟ ۱- در تو خون خوشه ها جوشیده است / خوشه ها خون تو را نوشیده است. ۲- خوشه گندم پس از دی می رسد / داس تو افسوس، پس کی می رسد؟ ۳- سرخ کن یأس سفید یاس را / پاک کن گرد و غبار داس را ۴- باز می بندیم سوی روستا / می رسد از دور بوی روستا
۴- شخص و شمار فعل های بیت زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟ «چو گل بشنید این گفت و شنودم / بگفتا من گلی ناچیز بودم» ۱- سوم شخص مفرد، سوم شخص مفرد، اول شخص مفرد ۲- دوم شخص مفرد، اول شخص مفرد، اول شخص مفرد ۳- اول شخص مفرد، سوم شخص مفرد، سوم شخص مفرد ۴- دوم شخص مفرد، دوم شخص مفرد، اول شخص مفرد
۵- بن ماضی کدام مصدر نادرست است؟ (۱) کشیدن: کش (۲) آمدن: آ (۳) ترسانیدن: ترس (۴) گفتن: گو
۶- در کدام واژه بن فعل به کار نرفته است؟ (۱) ساختار (۲) دشنام (۳) گریان (۴) گوینده
۷- بن ماضی و مضارع فعل در جملهٔ زیر در کدام گزینه آمده است؟ (مأموران همه جای خانه را گشتند.) (۱) گشت، گرد (۲) گشت، گردید (۳) گشتن، گردیدن (۴) گردید، گشت

ضمیر: ضمیر واژه‌ای است که جانشین اسم می‌شود و همانند اسم، نقش‌های نهاد، مفعول، متمم و مضاف‌الیه را می‌پذیرد و از تکرار اسم جلوگیری می‌کند.

به این مثال توجه کنید:

ایمان کتابش را مطالعه کرد ← در این جمله ضمیر «ش» به جای اسم «ایمان» نشسته و مانع تکرار آن شده است.

احمد به همراه برادرش به مدرسه رفت و از مدیر مدرسه برای او مرخصی گرفت.

به جای احمد قرار گرفته به جای برادر قرار گرفته

مرجع ضمیر: اسمی که ضمیر به جای آن می‌نشیند مرجع ضمیر نامیده می‌شود.

مثال: آرش کمان را گرفت و آن را در دست فشرد.

مرجع ضمیر ضمیر (آن به جای کمان قرار گرفته)

احمد از برادرش دو سال کوچک‌تر بود.

مرجع ضمیر ضمیر

ضمایر شخصی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- ضمیر شخصی گسسته (جدا) ۲- ضمیر شخصی پیوسته

ضمیرهای شخصی گسسته عبارتند از: من، تو، او، ما، شما، آنها

ضمیرهای شخصی پیوسته عبارتند از: ـ م، ـ ت، ـ ش، ـ مان، ـ تان، ـ شان

مثال: کلاسمان کیفتان

- ضمیرهای شخصی گسسته به واژه‌های دیگر نمی‌پیوندند و به صورت مستقل و جدا به کار می‌روند.

اول شخص مفرد (گوینده) ← من اول شخص جمع (گویندگان) ← ما

دوم شخص مفرد (شنونده) ← تو دوم شخص جمع (شنوندگان) ← شما

سوم شخص مفرد (دیگری) ← او سوم شخص جمع (دیگران) ← آنها یا ایشان

مثال برای ضمیر شخصی گسسته:

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست که هر چه بر سر ما می‌رود از ارادت اوست

سخنان استاد را شنیدم. وی عالمانه سخن گفت.

او

- ضمیرهای شخصی پیوسته به واژه‌های دیگر نمی‌پیوندند و در شش شخص ظاهر می‌شوند.

اول شخص مفرد (گوینده) ← م اول شخص جمع (گویندگان) ← ـمان
دوم شخص مفرد (دیگری) ← ـش دوم شخص جمع (شنوندگان) ← ـتان
سوم شخص مفرد (دیگری) ← ـش سوم شخص جمع (دیگران) ← ـشان

مثال: دلم را با جفايت داغ كردى

دل هايتان آسمانى باد.

به علاوه ضمائر شخصى، ضمائر ديگرى هم وجود دارد كه سالهاى آينده با آنها آشنا مى شويد. مثل: ضمير اشاره (اين و آن) - ضمير مشترك (خود، خویش، خویشتن) و غيره

سوالات ضمير

۱- در عبارت «سعى كنيد نوشته هايتان را حداقل يك بار بخوانيد و اشتباهاتش را اصلاح كنيد.» چند ضمير شخصى وجود دارد؟ مشخص كنيد.
۲- در کدام گزینه ضمير شخصى پيوسته وجود ندارد؟ الف- احتمال خلاف آن حتى در خاطرش نمى گذشت. ب- براى ما شاهنامه مى خواند و ديده گانش پر از اشك مى شد. ج- بيشتر وقت ها اگر مى خواست تذكرى بدهد، به طور غير مستقيم عمل مى كرد. د- شوق بسيارى به دانش اندوزى داشت، هم براى خودش و هم براى فرزندان
۳- در بيت زير، کدام واژه مرجع ضمير است؟ نام نيكو، گر بماند ز آدمى به كزو ماند سراى زرنگار
۴- در مصراع «بچه ها، آرزوى من اين است!» ضمير و نوع آن را مشخص كنيد.
۵- در کدام گزینه، ضمير شخصى بيشترى به كار رفته است؟ الف- هر چه جلوتر مى رفت، صداى او را بهتر مى شنيد. ب- دست هايش در آن هواى سرد پايزى سرخ شده بود و حركتى نمى كرد. ج- پيرمرد كمك مى خواست اما عابران بى توجه به او، از كنارش مى گذشتند. د- اگر دستكش بخرى، ديگر مجبور نيستى دست هايت را به هم بمالى.
۶- در عبارت زير، چند ضمير شخصى گسسته وجود دارد؟ «من و تو نبايد فراموش كنيم كه خداوند، تنها از راه كار و كوشش به ما كمك مى كند.»
۷- در کدام گزینه، ضمير شخصى پيوسته وجود دارد؟ ۱- بر آن زادم و هم بر اين بگذرم چنان دان كه خاك پى حيدر ۲- منم بنده اهل بيت نبى ستاينده خاك پى وصى

- ۳- چو هفتاد کشتی بر او ساخته همه بادبانها برافراخته
۴- نباشد جز از بی پدر دشمنش که یزدان به آتش بسوزد تنش

ساختمان واژه

واژه‌ها از نظر ساختاری به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- واژه‌های ساده ۲- واژه‌های غیر ساده

۱- واژگان ساده: به واژه‌هایی می‌گویند که قابل تجزیه نباشند و مفهوم کامل و مستقل دارند.

مثال: کاروان - آهن - دیو - مداد - رستم - درخت و ...

۲- واژه‌های غیر ساده: هر واژه‌ای که قابل تجزیه و جداسازی باشد، غیر ساده است.

مثال: گل ← ساده اما گلزار ← گل + زار ← غیر ساده

خوب‌ترین ← خوب + ترین ← غیر ساده

- واژه‌های غیر ساده به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- وندی ۲- وندی مرکب ۳- مرکب

وند: اجزایی هستند که به تنهایی معنای مستقلی ندارند اما اگر به واژه‌ای اضافه شوند در کنار آ «واژه معنا پیدا می‌کنند».

۱- وندی: واژه‌هایی که از یک جزء معنادار + یک یا چند جزء بی‌معنا ساخته شده‌اند.

مستقل غیر مستقل

مثال: گل‌ها ← گل + ها

جزء معنادار جز بی‌معنی

و مستقل و غیر مستقل

بن‌مازی و بن‌مضارع همیشه یک جزء معنادار محسوب می‌شوند. (همهٔ مصدرها وندی هستند)

مثال: رَوش ← رو + ش

بن مضارع جزء بی‌معنی

از مصدر رفتن

(جزء معنادار)

رفتار ← رفت + ار جزء بی‌معنی

بن‌مازی از مصدر رفتن

۲- مرکب: واژه‌هایی که از دو یا چند جزء معنادار بدون وند ساخته شده‌اد.

مثال: گل + ساز ← گلساز ← مرکب
معنادار معنادار

آبگرمکن ← آب + گرم + کن ← مرکب
معنادار معنادار معنادار

گل فروش ← گل + فروش
معنادار معنادار

مثال‌های دیگر: خوش‌بخت - کتابخانه - جانماز - سپاسگزار - شکرگزار - کارفرما و آبراه و ...

۳- **وندی - مرکب:** واژه‌هایی که از دو یا چند جزء معنادار + یک یا چند جزء بی‌معنی (وند) ساخته شده‌اند.

مثال: دان + ش + آموز ← دانش‌آموز ← وندی مرکب
جزء معنادار جز بی‌معنی جزء معنادار
(وند)

سر + را + سر ← سراسر ← وندی مرکب
معنادار بی‌معنی معنادار

دو + چرخ + ه ← دوچرخه ← وندی مرکب
معنادار معنادار بی‌معنی (وند)

نفوذ + نا + پذیر ← نفوذناپذیر ← وندی مرکب
معنادار بی‌معنی معنادار

مثال‌های دیگر: کتاب‌فروشی - جامدادی - دانشجو - سپاسگزاری - خانه به دوش و گوناگون و ...

تمرین‌های ساختمان واژه

- ۱- در واژه‌های زیر ساده و غیر ساده را مشخص کنید. (اگر واژه‌ای غیر ساده بود، نوع آن را بنویسید).
- هنرمند ←
 - نامور ←
 - گلستان ←

شنبه ←
صحرا ←
شناس نامه ←
خبرنگار ←
نمکزار ←
چهارم ←
درختان ←
بزرگ‌تر ←
دخترانه ←
آه‌نین ←
نویسنده ←
میز ←
رفتار ←
۲- در میان واژگان زیر چند واژه <u>غیر ساده</u> وجود دارد؟ «انتقال - بزرگ‌سالی - کم حوصلگی - استقلال‌طلبی - زلال - مهارت - دل‌نشین - آفریدن - تصاویر - کیمیا - گفتار» ۱- سه واژه ۲- شش واژه ۳- چهار واژه ۴- پنج واژه

دانش‌های ادبی پایه هفتم:

قافیه: به واژه‌هایی گفته می‌شود که از نظر حروف پایانی و آهنگ یکسان هستند و پایان مصراع‌ها می‌آیند.

ردیف: به واژه‌هایی گفته می‌شود که بعد از قافیه در پایان مصراع‌ها می‌آیند و عیناً تکرار می‌شوند.

مثال: از ظلمت خود رهایی‌ام ده با نور خود آشنایی‌ام ده

قالب: به شکلی که قافیه به شعری دهد قالب می‌گویند.

انواع قالب: مثنوی، رباعی، چهارپاره، دوبیتی، قصیده، غزل، مستط، ...

مثنوی: به شعری گفته می‌شود که هر بیت برای خود قافیۀ جداگانه دارد. مثنوی در لغت به معنی دوگانی

و دوتایی است.

مثال: شعر ستایش در کتاب فارسی هفتم در قالب مثنوی سروده شده است.

انواع مثنوی:

۱- مثنوی حماسی ← شاهنامه فردوسی

۲- مثنوی عرفانی ← مثنوی معنوی مولوی

۳- مثنوی عاشقانه ← خسرو و شیرین نظامی

۴- مثنوی تعلیمی ← بوستان سعدی

شکل گرافیکی مثنوی:

×	_____	×	_____
Δ	_____	Δ	_____
○	_____	○	_____

تعریف قالب شعری چهارپاره: چهارپاره به شعری گفته می‌شود که از چند دو بیتی تشکیل شده است. به طوری که در هر دوبیتی مصراع‌های زوج با هم، هم‌قافیه‌اند، و قافیه‌های هر دو بیت با دو بیت بعد متفاوت است.

شکل گرافیکی چهارپاره:

×	_____	_____
×	_____	_____
○	_____	_____
○	_____	_____

تعریف آرایه: شاعران و نویسندگان برای زیبایی شعر و متن رابطه‌هایی بین واژه‌ها برقرار می‌کنند که این رابطه موجب زیبایی شعر و متن می‌شود که به آن آرایه‌ی ادبی گفته می‌شود. برخی آرایه‌های ادبی عبارتند از: آرایه‌ی تشبیه، کنایه، تضاد، تشخیص، مراعات نظیر (تناسب)، جناس و ...

آرایه تشبیه:

تشبیه یعنی مانند کردن چیزی به چیز دیگر که به جهت داشتن صفت یا صفاتی با هم مشترک باشند. هر تشبیه دارای چهار رکن است:

۱- مشبه: آنچه مورد تشبیه قرار می‌گیرد.

۲- مشبه به: آنچه که به آن چیزی یا کسی تشبیه شده است.

۳- ادات تشبیه: واژه‌هایی هستند که نشان دهنده‌ی پیوند شباهت می‌باشند و عبارتند از: همچون،

چون، مثل، مانند، نظیر، همانند، به کردار، چو، به سان و ...

۴- وجه شبه: صفت یا ویژگی مشترک بین مشبه و مشبه‌به می‌باشد.

مثال:

علی مانند شیر شجاع است.

در این مثال علی (مشبه)، شیر (مشبه به)، مانند (ادات تشبیه)، شجاع بودن (وجه شبه) مثال دیگر: خون شهید همچون شقایق سرخ است.

خون شهید: مشبه، شقایق: مشبه به، همچون: ادات تشبیه، سرخ بودن: وجه شبه
نکته: مشبه و مشبه به طرفین تشبیه نام دارند و دو رکن اصلی هستند که در تمام تشبیهات حضور دارند و حذف نمی‌شوند اما «ادات تشبیه» و «وجه شبه» می‌توانند در یک تشبیه حذف شوند.

مثال: دل همچو سنگت، ای دوست به آب چشم سعدی

در این مثال، دل (مشبه)، سنگ (مشبه به)، همچو (ادات تشبیه)

وجه شبه (سختی است که حذف شده، چون ویژگی سنگ، محکم و سخت بودن است)

نکته ۱: در تشبیه وقتی «وجه شبه» و «ادات تشبیه» حذف شود به آن تشبیه بلیغ می‌گویند.

مثال: شهدا خورشیدند. (شهدا: مشبه، خورشید: مشبه به، ادات و وجه شبه محذوف‌اند) وجه شبه در واقع درخشندگی است که با توجه به خورشید باید تشخیص دهیم.

نکته ۲: در تشبیه وجه شبه در «مشبه به» قوی‌تر و بارزتر است.

نکته ۳: هرگاه در تشبیه مشبه یا مشبه به، به دیگری اضافه شود به آن «اضافه تشبیهی» می‌گویند.

مثال: باران رحمت بی حسابش همه را رسیده

در این مثال باران رحمت اضافه‌ی تشبیهی است. (رحمت: مشبه و باران: مشبه‌به، رحمت در فراوانی به باران تشبیه شده است. وجه شبه محذوف: فراوانی است)

مثال‌های دیگر: درخت دوستی، چراغ علم، چشمه‌ی معرفت، بار غم و ...

آرایه تضاد

هرگاه دو واژه با معنای متضاد (مخالف) در یک بیت یا عبارت به کار رود آرایه‌ی تضاد پدید می‌آید.

مثال: نه شاخ خشک گردد روز سرما نه برگش زرد گردد روز گرما

در این بیت بین سرما و گرما رابطه‌ی تضاد وجود دارد.

مثال دیگر: شادی ندارد آن که ندارد به دل غمی آن را که نیست عالم غم نیست عالمی

در این بیت بین غم و شادی رابطه‌ی تضاد وجود دارد.

آرایه کنایه

در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی دور و نزدیک است که معنی نزدیک مورد نظر نیست اما گوینده جمله را به گونه‌ای به کار می‌برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل می‌شود.

مثال‌های دیگر: دست به سیاه و سفید زدن، دست روی دست گذاشتن، شکم را صابون زدن، چشم پوشیدن و ...

آرایه تشخیص

تشخیص یا انسان‌نمایی، نسبت دادن صفات انسانی به غیر انسان را گویند.
 مثال: گاه تنهایی صورتش را به پس پنجره می‌چسباند. (نسبت دادن صورت به تنهایی که انسان نیست)
 مثال دیگر: غنچه با دل گرفته گفت (صحبت کردن به غنچه نسبت داده شده)
 مثال دیگر: شب‌نم از روی برگ گل برخاست (برخاستن به شب‌نم نسبت داده شده)

آرایه مراعات نظیر (تناسب)

آوردن واژه‌هایی که از یک دسته است و با هم از نظر جنس، نوع، مکان و زمان هماهنگی دارند.

مثال: بسی تیر و دی‌ماه و اردیبهشت برآید که ما خاک باشیم و خشت
 مراعات نظیر مراعات نظیر

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
 مراعات نظیر

آرایه تکرار

وقتی یک واژه در متن یا شعر دو یا چند بار تکرار شود، به آن آرایه تکرار می‌گویند.

مثال: دنیا همه هیچ و اهل دنیا همه هیچ ای هیچ برای هیچ بر هیچ میبچ
 ای جانِ جانِ جانِ جان، ما نامدیم از بهر نان برجه، گدایی رو مکن، در بزم سلطان، ساقیا

سوالات مربوط به آرایه‌های ادبی

۱- در ابیات زیر ارکان تشبیه را مشخص کنید.
- ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد ساقی به دور بادۀ گلگون شتاب کن - گفتا برو چو خاک تحمل کن ای فقیه یا هر چه خوانده‌ای همه در زیر خاک کن
۲- در کدام گزینه کلمه دریا مشبه به است؟
(۱) تلاطم زندگی امواج دریا را به باد می‌آورد. (۲) دلش چون دریا بزرگ است. (۳) دریای بی‌کران چون دل عارفان است. (۴) رنگ دریا همچون آسمان آبی زیبا است.
۳- در مثال زیر کدام رکن تشبیه حذف شده است؟
میان دو کس جنگ چون آتش است.
۴- در عبارت زیر آرایه تشخیص را مشخص کنید.

«اشک‌ها به روی گونه‌ها می‌لغزید و بر پیشانی خاک بوسه می‌نهاد.»
۵- در بیت زیر، ویژگی انسان به کدام واژه نسبت داده شده است؟ «دست در دامن مولا زد، در که علی بگذرد و از ما مگذر» (۱) دست (۲) دامن (۳) در (۴) علی
۶- با توجه به آرایه‌هایی که آموختید بیت زیر چه آرایه‌ای دارد؟ «از ظلمت خود، رهایی‌ام ده با نور خود آشنایی‌ام ده»
۷- در کدام گزینه، آرایه تشبیه به کار <u>نرفته</u> است؟ ۱- نوجوانی دوره‌ای شبیه به رؤیا و زیبا است. ۲- دوست خوب، نایاب است. ۳- جویبار باصفا و زلال و گوارای زندگی را آلوده نسازیم. ۴- کتاب آفرینش و شگفتی‌های طبیعت، سرشار از درس‌ها و اندرزهاست.
۸- در کدام گزینه، آرایه تضاد وجود ندارد؟ ۱- گنجوران مال مرده‌اند، گرچه زنده‌اند. ۲- مال با هزینه کردنن کم آید و دانش با پراکنده شدن بیفزاید. ۳- درویش آخرتش را به دنیا در نیازد و دانشمند دانش خود را تباه نسازد. ۴- هیچ‌یک از شما جز به پروردگار خود امید نبندد و جز از گناه خود نترسد.
۹- کدام بیت آرایه تشخیص و کنایه را همزمان دارد؟ ۱- دانه آرام بر زمین غلتید رفت و انشای کوچکش را خواند ۲- غنچه هم گفت: گرچه دلتنگم مثل لبخند باز خواهم شد ۳- جوجه‌های کبوتران گفتند: کاش می‌شد کنار هم باشیم ۴- جوجه کوچک پرستو گفت: کاش با باد رهسپار شوم
۱۰- کدام گزینه آرایه تضاد ندارد؟ ۱- هم قصه ناموده دانی هم نامه نانوشته خوانی ۲- از ظلمت خود رهایی‌ام ده با نور خود آشنایی‌ام ده ۳- جهان، جمله فروغ روی حق دان حق اندر وی ز پیدایی است پنهان ۴- توی گلدسته‌های یک گنبد روز و شب زائر حرم باشیم
۱۱- کدام گزینه آرایه تشخیص به کار <u>نرفته</u> است؟ ۱- قضا گفت گیر و قدر گفت ده فلک گفت احسنت و مه گفت زه ۲- دست در دامن مولا زد در که علی بگذرد و از ما مگذر ۳- ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند ۴- ای برادر قصه چون پیمانه است معنی اندر وی به سان دانه است
۱۲- در بیت زیر ویژگی انسان به کدام واژه نسبت داده شده است؟ «شبنم از روی برگ گل برخاست گفت: می‌خواهم آفتاب شوم»

(۱) گل	(۲) شب‌نم	(۳) آفتاب	(د) ضمیر (من)
۱۳- در کدام بیت مراعات نظیر وجود دارد؟			
۱- شب‌نم از روی برگ گل برخاست	گفت می‌خواهم آفتاب شوم		
۲- دانه آرام بر زمین غلتید	رفت و انشای کوچکش را خواند		
۳- غنچه هم گفت: گرچه دلتنگم	مثل لب‌خند باز خواهم شد		
۴- تا معلم ز گرد راه رسید	گفت با چهره‌ای پر از خنده		
۱۴- «باد در گلو انداختن» کنایه از چیست؟			
(۱) مغرور شدن	(۲) عصبانی شدن	(۳) ناراحت شدن	(۴) چاق شدن